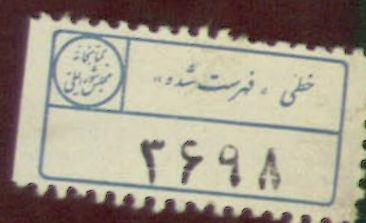


۴۳۱۹





بازرسی شد  
۳ - ۲

جغرافیا سودان

۴۱۸۷  
نمبره دفتر ۱۹۱۰  
کتابخانه مجلس شورای ملی  
جلد ۱  
پول و قلم  
منجمه کتب خریداری شده  
۳۸۹۱  
۴۱۸۷

۴۵۱۹

بازدید شد  
۱۳۸۲

نسخه فهرست شده  
۳۶۹۸



بازرسی شد  
۳۰۲

۱۹۱۰

جغرافیا سودا

۴۱۸۶  
نمبره دفتر ۷۹۲۲  
کتابخانه مجلس شورای ملی  
جلد چهل و هشتم  
منجمله کتب خریداری جهه  
۳۸۹۱  
۴۵

۴۵۱۹

بازدید شد  
۱۳۸۲

مجلس فهرست شده  
۳۶۹۸

کتابخانه مجلس شورای ملی

# سودا

فتنه محمد احمد که دعوی مهدویت نموده و ادعای  
مهدیه نموده و در غرب و بکنند در بلاد و حواله رود  
نبرد خربت خیال داشتند و در باب استیکار متوجه  
سودا نموده و شتر مسطرت در نامه عبارت از وقایع  
که درین ناحیه واقع میشود و حضورت فهم مسطرت روزنامه  
موقوف باطلاع جغرافیا و تاریخ سودا و بلاد و ولایات

(۲)  
که سید بن جک فتمه که با عیال و عیال و عیال  
انگلیس پیش پشته  
پوشیده نباشد که فتمه که الان در سودا تحقیق  
سنگین نیست بلکه آقا متعاهد او شهر العبد است از ایت  
کری فاکت و اینکه در فتمه که سودا میگردد  
از دست که کلیه امانت افروخته را تقسیم بدو قیمت نموده اند  
بطایفه را سودا و سودا بگویند و سودا بگویند و سودا بگویند  
بر هر دانه بهر سودا بگویند و سودا بگویند و سودا بگویند  
تمام نواحی افروخته را بگویند و سودا بگویند و سودا بگویند  
شمال این تقسیم کن و سیت آنها غیر از سیت امانت



سویلی است و همه سیدان پادشاه بخلاف طایفه  
 سویلی بسیار از آنهاست پسند چون که همه ملک  
 اتمیت بهم رسانیده اطلاع از آن نواحی نیز از سایر همه  
 گردیده لهذا انجمن شرح و تفسیر مبادرت بنمایند  
 تسلیم فرمایند که از اقلیم خمت روی زمین است مجهولات  
 جغرافیای بسیار داشته و دار و دار قبیله و سرخس و رودهای  
 معتبر و حالت بسیاری از اراضی و اماکن و آبادانیها و غیره  
 که بعضی از آنها با قدم و اتمت سیدان معتبر با جلا و دت  
 فوکان مخصوصا چهار نفر سیاح کتب کی از آل بونکسن  
 پادشاه و در نظر الملک و یک مردی که از امر بکار

و یک پسر خالک سگش و معلوم شده و باز باید گفت  
 بسیار از اوضاع و احوال این اقلیم مجهول است اما معلوم است  
 آن نیست که بعضی از علماء جغرافیای فریاد را به نسبت  
 منقسم نموده اند قسمت اول را ولایات حواله رفو نیز با بلاد  
 بنسبیه گویند و آن عبارت از مصر و منوط و حلبش  
 و بعضی ولایات کوچک که با این است مملکت است به پادشاهت  
 ثانی بلاد مغرب است عبارت از مصر و کبریه و فلیق  
 باشد و بر فلیق و فزاکین و ثولین و طرک مایس  
 و الجول و مکرکش (حاکم) و توبع آن وین  
 ایالات را برین است که نیز گویند قسمت سیم فریاد

شرق است شهر بنی نجر و فرعی بنی (فرعی بنی)  
وصف اول و غیره است چهارم افریقای وسطی است  
شماره بن قنیت و سونی تحقیق قنیت است  
پنجم افریقا غرب است که عبارت از سه ناکه است  
(سینکبیه) و (کینه) (گوپینه) است  
قیمت ششم افریقا جنوب است معروف به درلس  
و بلاد (الکفره) (بلاد کافر) قیمت هفتم جزایر  
تابعه افریقا است  
مقصود از این مختار شش زمین سازعه مسمیه است  
و غیره سونی تحقیق است اول زمین سازعه مسمیه است

و اقامتگاه آن کری فاک است که از ولایات حوالا رفو نیز است  
و از طرف محروبه است نامی که یکی از ولایات مغرب است  
و از طرف دیگر بهی لمر فو و در جنوب آن سه بحال است  
و جنوبی بودن سنی دارند و این ایالت یعنی کری فاک است  
می باید نامه ندر ایض در یکی از شعبه جمل رفو نیز است حاکم نشین  
و قاعده کری فاک شهر العبد است و یک مسمیه است  
ارضی کری فاک چندین صدها نیز است که آنها که در طرف  
نیز ایض قطع شده و بعضی از جزایر بر (اولی) آن که  
حاصل آنها نیز است که کری فاک سیاه است و میدان  
پاشند تمدن آنها کم در پاشن عرب است است کری فاک



در تحت بنیت سنگ مرمر بود علی مرمری که کنیز ولایت  
حواله روزن در آن ملک خود سال هزار و شصت و هفت  
عبیدی محمد علی پاشا کردی فاکس را سحر کرده از  
مضافات مصر نمود

اما خطوط شهرت از سنگ مرمر در تقارن از ررق و  
نیز سفید طاق و از بنا محمد علی پاشا که مصریت که  
در پنجاه و نه سال قبل شهرت ساخته و آبا که در پنجاه و نه سال  
خطوط ما کویند شبیه خطوط فیروزنی ررق و از ررق نعل  
حاصل تمام نوحی بر چهار خور شهر خطوط فیروز جمع که بر نعلین  
جمعیت شهر خطوط است و هزار نفر است و با آنکه در موقوفه

میشد از قریب نای آن الی آن از مضافات مصر بهجت است  
اما خطی که در صدری موقوفه است و در سیم یک از ولایات  
نموده است و شهر حاکم نشین این شهر نیز موقوفه است  
و این ولایت در طرف یازده روزن موقوفه و موقوفه قدیم نعل  
خرب و اینکه حالا آب است و موقوفه جبریت

یا قوت حمور کویدی موقوفه بنضم اوله و ثانیه و قید بنضم و سکون  
ثانیه مدینه کبیر که فی بلاد النوبه و بهما فی  
ملک علی شاه النبی که اسویر عالمه مبنی  
بالجاکر و طول بلاد النوبه علی النبی که مبنی  
بنضم وال و قاف و بعضی گفته اند بنضم وال و قاف و سکون نون

شهر بزرگ است در بلاد نوین که پادشاه بخت در این شهر  
 میکن دارد و این شهر در ساحل نهر و بار و کار حال دارد  
 و بهنگ ساخت اند و ولایت نوین در دست لور و نیل  
 واقع شدت خلاصه و نفاذ جبهه در این شهر که نیکو بیند و  
 و نیکو آرا نوین و نیکو بیند

اما سولکن قاعده و پارتخت ولایت بیکه با بدجست  
 که این ولایت نیز یکی از ولایات اربعه نوین باشد و در سواحل  
 بحر اهر واقع شده

اما مصوع که نیکو آرا نوین گویند شهرت از حبشه  
 در جزیره که در بحر اهر واقع شده و اخیرا به بندر بسیار خوب

دار و بنابر تعیدات سیدن قال متهمک سولکن  
 حقیقی نیست

اما سولکن حقیقی نامی که در صحرای عسارت از افریقا و بیعی  
 و صحرای کربیر معروف افریقا است که نیکو آرا نوین  
 و کربیر نیز است یکویند یعنی که صحرای کربیر در شمال آن واقع  
 شده و سنگا چیه و کپنه در غرب آن و طرف جنوب  
 نیز معروف به کپنه و جبل الغریب است

سولکن در منطقه محرقه در طرف خط استوا واقع شده و  
 و سمت خاک سولکن حقیقی تو بآب و وقت صحرای کربیر است  
 یعنی سطح صحرای کربیر معادل چهار هزار و شصت کیلومتر طول است



(۱۱)  
 در هر یک از این عرض و سوی تحقیق هم تعلقه را وسعت دارد  
 و باید گفت ممالک و سیمه صحرائی کبیر و سوی از خود  
 مغرب مصر و منقلا و حبشه بطرف مغرب است یافته  
 تا غیره بر این محط امانا نینک که تقریبا همه لو سوی این  
 است و لو صحرائی است بدو خط تو از غیر که است از ارضی  
 سوی بارشاع از مصر است و بر خلاف خط حلال هیچ  
 روه خانه ندارد و کما هر که از زول بارن سیمه جاری شود پس از  
 انقطاع سیمه ملافاصله در باغات با و مجاری سیمه را می نماید  
 سوی چینه بن روه خانه و یک خط عظیم دارد که از آن طرف  
 و صغیر باز دو خط عظیم سوی رسوم به پنجر (فیشر) باشد

(۱۲)  
 و سیمه و سیمه پنجه در جبال طاقه در طرف جنوب صحرائی  
 کبیر است در جاده هزار و شصت و سی و شت قدم ارتفاع دارد این  
 خط کما هر طرف مشرق و کما هر رو مغرب و در آن بجانب جنوب  
 جریان دارد و نوع سیمه چینه بن شعبه شده شعبه برگردانده به دریای  
 محط امانا نینک میریزد شط پنجر را نیز سیمه و سیمه بن  
 گویند و همت نیز مصر در بعضی جا با جریان دارد که بسیار از  
 سیاحان از آنجا با خبر دارند و در مصب خود خلیج کبیر  
 و آنرا تغییر می دهد که نه هزار و آنرا نیز از کبریت بلکه و آنرا  
 روه خانه کنگ (گانش) هندی نام از آنجا که چکر شده  
 تا سی ماه قبل صوبه روه خانه پنجر یکجا چهار و از وضع



لکن چرخ بجز کر قدر از قیاس مونس پادشاه و کمال  
 و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال  
 دیده بجز لیکن بعد از اقامه سفرین خلیع از محبوبان بی سال  
 قیام معلوم و نکشف ریاضت  
 تعیین جمیع و تعدد نفوس سواران ممکن نیست اما سینه سیاه  
 از جنس انبیا (الباقی چه اسم قدیم تمام ناحیه است که در  
 جنوب مصر است و دارد) و بخت طایف و قبایل بسیار  
 دارند که بعضی از آنها سواران و بخت پرستند لیکن بت پرستها  
 کمتر از سوارانند و بعضی از آنها سواران و در حالت  
 جنگی ای ای بودند نیز در همه جا کم و در نزول و با وجود

و با وجود این در بعضی جاها رستمان خلیع سخت میجو باران در ماه اردیبهشت  
 شروع میکند و بخت طایف و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال  
 شایع دارد و سواران را در خانه ها که از خلیع خلیع دارد  
 زمینها چاهها تقریباً تمام مملکت را فرو گرفته است حاصل سواران  
 زرت و برنج و بنا کو و بنه و نیر و قهوه و خرمای و سایر  
 میوه با دقیر از سبزی و غیره میباشند قیام و زرت و زرت  
 و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال و کمال  
 و شغال و غیره و طیور و کفار و سواران و کمال و کمال و کمال و کمال  
 و خرنده ها عظیم است و نهنگ در سواران یافت میجو  
 قیامت عمده از سواران است که سبب است نهمه که از آن



خبر عالم باشند آنجا میراکم تا چندی سال قریب فرین دیده و سفرها  
نوشته منقسم بچند ولایت و ایالت که اندکی ازین قسمتها  
فجر میست و وقوع در غربت و بی خبری و غم و اندوه و  
فیمابین نیست و نمودار باد و برحق باشد قیمت و  
برق و نایب و درین نوعی نیست و در این نیک و استعداده  
و و الا ان ادعای سلطنت مینماید بکنه برق میلانند حد  
نفوس اما لاده که در و بعضی از آنها قیام صحرا کرده باشند و برین  
عرب حکم مکنه اما برق با مصر و مغرب و نوب  
تجارت دارند و مال التجاره آنها طلا و عاج و زب و برده  
و پرسترنه و کرده و مکن باشد دریاچه شاک (شاک)

چاک (در حقیت است و ما هر دو مرغاب است ما را وار و گویند  
طل این دریاچه دریت ما و عرض آن صد و پنجاه مید است  
شهر ناران بر فراز کوه کا و بر چنه و لاندک مرغاب  
قیت و دیگر مملکت سواد کانت و ما و مندره پند  
واقع در جنوب برخی و حاکم نشین آن محلی است رسوم به مور  
و رسد و ما و س کوه کا

وارطوف جنوب زهر غظمی بدریا چه شای میر فو که آنرا شای  
مینند و شهر لغون که قصبه بلاد لغون میباشد در کنار  
این نهر است و اما لغون کی نوع استعدا دارند و صفا صلیح و  
سیرت میباشد بعضی بار چه انسج نمیند و بلاد آنها



یکوت گوی که فرخ و زنبور و پشه زیاد دارد و از این  
 میان بختی که هر سبب حرکت حال میجو برای رفع  
 این فیا و غالباً گاه تر میخورند و در دوران نشینند و نمیکند  
 در مرغ صفت رودن ماند که  
 نرگه کاکاشن میگویند

در طرف مغرب بر بنق به دو یا سه سوئی که یکی دارند و آنها  
 چهار خوشی و بت پرستند و در آن صعب و جبال میکنند  
 گرفته اند و قبا می که با آنها همیه اند بعضی اوقات آنها را غارت  
 میکنند و آنها نیز هر کس را در راه بیا بیا بکشند در طرف  
 مغرب اینجا است بلاد فلان که میباشند که در این آن سبز

و ما خیز و داری حسب و انواع میوه با ستمیه است اما  
 ستمند و نماز میکنند اما چون عربی غرقند معنی نماز را  
 نمیدانند استنای هم که فتن و ضو دارند فقط در روز یکشنبه  
 وقت صبح وضو میزنند و بعد از آن دویم کی اینجا است و قی  
 شده و همه تصور اینجا است و بایشان حسنه و خراج

میدانند

قیمت دیگر از سوئی کافور باشد در این قیمت  
 در حال خرمی و صلح نرگه و سکنه آن زیاد و قصبه و قاصد  
 آنست که ریز کافور میگویند و میوه و خمر و غیر جمیع دارد  
 و اکثر آنها روده و ضدم و کنسیر و رنگ قش میسر در این نرگی



شهرت

قیمت دیگر دو گشتا کیست و چهار از خلد امس

(خلد امس) و فخر این قبضه این قیمت آمده و او

سته برده و نمک نمین

قیمت دیگر دو قلا کیست و قبضه آن شهر میکانی

پیش که بارونی دارد و ارتفاع سی قدم با جازده و دانه و بجا

از خلد امس و طر بلبل غب با جاعط کهر سرخ

و بعضی عطریات دیگر و حریر بسیارند و بار برده و که معاوضه

نماینه بعضی بر که آب در طرف شمالی شهر است که

خزون آب آن اسباب حدوث تب میجو

آتش هر ثلث کیف با نخت قیمت دیگر از بلاد و سواد

و بسیار از بلاد مغرب بجهت تجارت پیش هر آنکه توقف

نمایند هر یک از آنها متعارفند و بسیار و نحو معاودت

میکنند زبان عربی در اینجا رایج است اما لغت اصیل الانیست

شهر ثلث کیف بر خد ف معمول ثلث کفر و محیط آن است

مرد و جمیع خانه های طبقه است و بنشیند که در فتاب

خاک میکنند حیوانات را با نمک صند نعش الانیست هر ده

هزار نفر و از حیوانی صحت رعیت ندارد و بندگان

ما بزم معاش و قوت خور از بلاد و بعیده بدینجا حاصل

نمایند در طرف جنوب غربی شهر که آب است



که آب باران در آنها جمع شده بمصرف شرب امانت است  
 در حواله انبساط بعضی قبا بر کسند بکنی دارند که آب را  
 طولانی (تولیم پیک) نمایند بصفت آنها  
 منحصراً بر سر است اینجا یعنی غیر طولانی قطعاً بطریق  
 لهذا از قوافل وارده باین نوعی و جوی گیرند که آنها را بکوت  
 ازین امان عبور دهند باین چنین است ببا اذیت امان  
 ثلث کوفی می باشد  
 اما مملکت مرغوع در جنوب شرقی ثلث کوفی واقع و سی  
 منزل طول است و ادعای آنست و عرض آن یازده منزل  
 و نهم چهار قیمت می باشد قیمت اول بصلوات است

و پارتخت از آن بصلوات می گویند کلمه امان این قیمت در نهم  
 هزار نفر می باشد قیمت دریم کجا کجا حاکم نشین آن نیز  
 بهین هم موسوم است امان این قیمت سی هزار نفرند قیمت  
 نیم اول کجا کجا میجر هزار نفر می کند و در قیمت چهارم نیم که  
 نام دارد و کلمه امان اینجا قیمت بت پرت و نهایت بستی  
 و سیکر و صرف سیکر است مایلند  
 قیمت دیگر از سوی کوفی بوی می باشد در جنوب  
 مرغوع واقع و امان آن نوعی از سوی کوفی می رسد که صحابه  
 سادتند مذنبات پرت و پادشاه در اندیشه قاطعیت  
 این مملکت بود است پارتخت آن موسوم بکانون کجا



بیابان

قیمت دیگر از سواحل ملک بمبایک است که در جنوب  
 ننگین واقع و در حدود سنگاچیت طول آن حدود  
 پنجاه و پنج و عرض آن حدود سی و نه در آنجا  
 که از بعضی آبادیهای آن یکصد و اکران است و سواحل آن  
 و غیره اکثر مغرب است در آنجا که توطن غنیمت یا تخت این  
 ملک است که بیابان بوده و هزار نفر سکنه دارد و شهر  
 چنجه نام آنجا است که در حال تبعیت ملک فلاک را  
 دارد و این جزایر سواحل آن در ماهیت وقت  
 نوشته شده و بهر طرز از این نقطه سیاحت نامه های بسیار

تاخرین است

نمایند  
 و ترجمه فرموده اند  
 فرانسوا و عربی  
 معجزی تحت قضا  
 سنه ۱۳۱



